سرخط

■ **ایرنا:** عباسعلی کدخدایی رئیس پژوهشکده شورای نگهبان با بیان اینکه برخی کشورها با دسترسی به پدیده‌های نوین بقیه کشورها را سرکوب می‌کنند و با سلطه بر پلتفرم‌ها و شبکه‌های فضای مجازی اهداف خود را پیاده می‌کنند، گفت: ما باید فکری کنیم تا از این استعمار نوین رهایی پیدا کنیم.

■ **میزان:** محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه: در برخی پرونده‌ها و مسائل امنیتی نیز می‌توان از ظرفیت «صلح و سازش» استفاده کرد. در قبال فردی که علیه نظام تبلیغ کرده یا اقدامی علیه امنیت انجام داده که طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور قابل گذشت است می‌توان راهکارهای مرتبط با «صلح و سازش» را به کار گرفت.

سرمقاله

اعتراف به تجاوز پس از شکست در خانه

عباس حاجی‌نجاری
کارشناس سیاسی

تأکید ترامپ بر صدور دستور حمله رژیم صهیونیستی به ایران و پذیرش مسئولیت آن اگرچه از همان آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای مردم ایران آشکار بود، چراکه رژیم صهیونیستی را در حد اندازه و توان حمله به ایران نمی‌دانستند، اما اعتراف ترامپ به این جنایت در شرایطی که در پایتخت امریکا از مردمش شکست خورده است، معنای ویژه‌ای می‌یابد. مروری بر تحولات دوساله اخیر در منطقه غرب آسیا و انتخاب مجدد ترامپ به عنوان رئیس جمهور (پادشاه) امریکا، تردیدی باقی نمی‌گذارد که روی کار آمدن مجدد ترامپ قبل از اینکه محصول یک انتخابات سالم در امریکا باشد، محصول توافق فرادولتی‌های امریکاست تا با نادیده گرفتن جرم ترامپ در سازمان‌دهی هواداران برای حمله به کنگره در پایان دور اول ریاست‌جمهوری‌اش، بار دیگر او را روی کار بیاورند تا به روند افول قدرت امریکا و شکست‌هایش، پایان بدهند، چراکه در سه دهه گذشته قدرت و نفوذ امریکایی که بعد از فروپاشی شوروی در پی کدخدایی جهان بود، به‌شدت نزول کرده و تمام راهبردهای طراحی‌شده امریکایی‌ها برای بازگرداندن قدرت امریکا به ویژه در غرب آسیا به شکست انجامیده و به رغم تحمیل هزینه ۸ تریلیارد دلاری بر مردم امریکا نتوانسته بودند مهره نیابتی‌شان یعنی رژیم صهیونیستی را نجات داده و شکست‌های متعدد این رژیم در جنگ‌های سی‌وسه روزه و... این رژیم را به سمت فروپاشی فرومی‌برد. اما ترفند فرادولتی‌های امریکا نه تنها کارگر نیفتاده و رژیم صهیونیستی هر چه بیشتر در باتلاق جنایت‌هایش در منطقه فرورفته، بلکه ترامپ را نیز دارد با خود غرق می‌کند.

افول قدرت امریکا در سال‌های اخیر به لحاظ اقتصادی و فزون یافتن اوراق قرضه امریکا از جی دی پی امریکا و نفرت جهانی از رژیم امریکا در جهان به دلیل سازمان‌دهی، هدایت و حمایت از جنایت‌های رژیم جنایتکار صهیونیستی در کشتار زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی، لبنانی و... بدیهی‌ترین نتیجه‌اش شکست در داخل خاک این کشور از مردم امریکاست که برای او لقب پادشاه را برگزیده‌اند، قبل از اینکه ترامپ بتواند در عرصه جهانی با ادعای مهار ۸ جنگ برای خود کارنامه مثبتی را ثبت کند، او را وادار به اعتراف به آغاز جنگی می‌کند که بعد از ۱۲ روز و درخواست آتش‌بس دست‌هایش را در برابر ملت ایران بالابرده بود، با این تصور که می‌تواند برای خود کارنامه بسازد و برخی سران بزدل منطقه و برخی کشورهای دست‌نشانده امریکا که حاضرند چاپلوسی فردی چون ترامپ را بنمایند و او برای آنها پشیزی قائل نیست و به آنها به عنوان کیف پول و یا... نگاه می‌کند، زیر سلطه خود نگه دارد. درزمینه پذیرش مسئولیت حمله رژیم صهیونیستی به ایران، نکاتی چند قابل ذکر است:

۱- پذیرش مسئولیت حمله به ایران در شرایطی است که به رغم جنایات امریکا و رژیم صهیونی علیه مردم ایران در آغاز جنگ، امریکا و رژیم در زیر باران موشک‌های ایران تاب نیاورده و بعد از دوازده روز درخواست آتش‌بس نمودند، این یعنی اعتراف به شکست و ناتوانی در رسیدن به اهداف چراکه تداوم حملات ایران به سرزمین‌های اشغالی می‌توانست به له شدن بیشتر و نابودی رژیم صهیونیستی منجر شود.

۲- یکی از اهداف اعلامی ترامپ از این حملات از بین بردن توان هسته‌ای ایران بود که پاسخ رهبر معظم انقلاب به این ادعا «به همین خیال باش» حکیمانه‌ترین پاسخی بود که باید به این ادعا داده می‌شد.

۳- از بین بردن مقاومت از اهداف اعلامی و اعمالی ترامپ و نتانیاهو در این تجاوز بود، اما به رغم این جنایات دوساله، مقاومت همچنان محکم و پابرجاست چراکه ترامپ جزو شروطش برای مذاکره با ایران عدم‌حمایت از مقاومت است و این نشان‌دهنده آن است که مقاومت همچنان زنده است و خار چشم ترامپ و نتانیاهو و دیگر مزدوران رژیم صهیونیستی و حامیان آنها در منطقه است.

۴- شکست جمهوری خواهان و ترامپ در انتخاب شهردار نیویورک به رغم تهدیدهای ترامپ در آستانه انتخابات نسبت به قطع کمک‌های دولت فدرال به نیویورک به دلیل شعارهای ضد صهیونیستی مطرح‌شده توسط شهردار منتخب، در کنار اجتماع هفت‌میلیونی نه به پادشاه در سراسر امریکا، نشان‌دهنده فاصله‌گیری مردم امریکا از انتخابی است که فرادولتی‌های امریکا در پاییز سال ۱۴۰۲ بر مردم این کشور تحمیل کرده بودند و این نشان‌دهنده تحول در جامعه امریکاست.

۵- این اعتراف ترامپ اگرچه ممکن است باهدف ترسانیدن مردم ایران صورت گرفته باشد، اما مردم ایران با مقاومت و ایستادگی، پاسخ او را در میدان دادند. اگرچه این اعتراف ماهیت تجاوزکارانه امریکا را به جهانیان نشان داد و بهترین فرصت را برای ایران ایجاد کرد تا ماهیت این تجاوز را بیشتر به جهانیان شناسانیده و از طریق مراجع بین‌المللی محاکمه متجاوز را خواستار شوند.

۶- اعتراف ترامپ به اینکه من مسئول حمله اسرائیل به ایران بودم، به معنای آن است که مذاکرات از ابتدای دولت ترامپ فریبی بیش نبود. و این روشن‌ترین پاسخ به کسانی است که هنوز هم در توهم مذاکره با امریکا به سر می‌برند.

۷- اعتراف ترامپ یافته‌های قبلی مردم ایران را ثابت کرد که ترامپ فاقد عقلانیت سیاسی است، چراکه تصور می‌کند این اعتراف می‌تواند بر بحران مشروعیتی که در داخل امریکا به آن دچار شده فائق آید، فارغ از اینکه اعتراف ترامپ به این جنایت، اهداف امریکا در جهان را بیش از پیش برای نیروهای مقاومت مشروع می‌سازد.

۸- در نقطه مقابل اما صلابت و اقتدار رهبری معظم انقلاب در مواجهه با جنگ شناختی دشمن، در پسا جنگ ۱۲ روزه، تحیر مراکز اندیشه ورزی امریکایی را برانگیخته است. هفته گذشته پاتریک کلاوسون پژوهشگر ارشد در انستیتوی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک در مقاله‌ای تحلیلی با تأکید بر اینکه رفتار ایران دفاعی نیست؛ مراقب باشید، به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان استناد کرده و می‌نویسد: سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان بهترین شاخص برای سنجش وضعیت کنونی جمهوری اسلامی دانست. بررسی اظهارات او در چند ماه گذشته، از افزایش محسوس اعتمادبه‌نفس ایران حکایت دارد. او در ادامه می‌افزاید: برخلاف برداشت عمومی در غرب، رهبران ایران نشانه‌ای از نگرانی نسبت به آسیب‌پذیری نظامی کشور بروز نداده‌اند.

آنها اطمینان دارند که ابزار کافی برای پاسخ‌گویی به هر حمله‌ای را در اختیار دارند؛ همین احساس قدرت، دلیل عدم شتاب تهران برای احیای مذاکرات هسته‌ای نیز هست. ایران مانند کشوری که نیازمند دفاع فوری است رفتار نمی‌کند؛ بلکه به وضعیت راهبردی خود اطمینان دارد. براین اساس، واشینگتن باید فرض را بر آن بگذارد که توافقی پایدار با تهران در کوتاه‌مدت شکل نخواهد گرفت و ایران مسیر خود را برای به چالش کشیدن منافع امریکا ادامه خواهد داد.

خبر یک

توصیه فاجعه!

حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی که گرفتار نوعی حمق معرفتی است، در لحظات اوج‌گیری منازعات نظامی در جهان و تهدیدات اتمی با آزمایش‌های هسته‌ای، تمایل ذاتی این حزب به «تسلیم» مقابل امریکا را با عنوان «ضرورت مصالحه بزرگ» روپوشانی کرده است!

نادان مردی به نام حسین مرعشی که گرفتار حمق ذاتی است و چندین هلدینگ بزرگ اقتصادی دارد که با رانت دولت سازندگی به دست آورده، گفته دنیا چهار دهه است از رقابت نظامی عبور کرده و مشغول رقابت اقتصادی است! در چه زمانی؟ در زمانی که وزیر دفاع امریکا در یک سخنرانی عجیب مدعی شده اکنون در لحظه ۱۹۳۹ (آغاز جنگ دوم) هستیم، ترامپ دستور آزمایش هسته‌ای داده و چندبار با خوی یک حیوان وحشی از توان امریکا در ۱۵۰ بار ویرانی کامل سیاره سخن گفته، روسیه با دستور آزمایش هسته‌ای واکنش نشان داده است، غرب آسیا و آفریقا و قلب اروپا درگیر جنگ‌های ویرانگر است، هفت، هشت نقطه دنیا جنگ است و چند ماه از حمله تمام‌عیار امریکا و ناتو به ایران و شهادت ۱۱۰۰ نفر از هموطنان می‌گذرد. چنین حماقتی فقط از یک کارگزارانی که با ثروت رانتی تا گلو در دغدغه حفظ و افزایش ثروت خود فرورفته است، برمی‌آید.

■ **نسخه تسلیم به نام مصالحه**

در گفت‌وگویی تازه، حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی از ضرورت «مصالحه بزرگ با امریکا» سخن گفته و مدعی شده است که «بیش از چهار دهه است دنیا از رقابت نظامی عبور کرده و به رقابت اقتصادی وارد شده اما ما هنوز در مسیر گذشته مانده‌ایم». او همچنین ادعا کرده کشور پس از ۴۰ سال دچار «بن‌بست‌های بزرگ در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ» است. اما آنچه مرعشی از آن به عنوان «مصالحه» یاد می‌کند، در واقع چیزی جز تسلیم در برابر واقعیت تحمیلی قدرت‌های سلطه‌گر نیست؛ نسخه‌ای که با تجربه جهانی، منافع ملی و حتی کارنامه سیاسی خود او در تضاد است.

مرعشی با تکرار گزاره قدیمی هاشمی رفسنجانی مبنی بر اینکه «دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست نه موشک»، می‌گوید دنیا از رقابت نظامی عبور کرده است؛ اظهار نظری که همان روزها با واکنش قاطع رهبر معظم انقلاب مواجه شد و ایشان ۱۳۹۵ و در دیدار با جمعی از مداحان کشور با انتقاد شدید از کسانی که روزگار و دنیای فردا را دنیای مذاکره می‌دانند و نه موشک تصریح کردند: اگر این حرف از روی ناآگاهی گفته شده باشد یک مسئله است اما اگر از روی آگاهی باشد خیانت است. امروز هم روزگار موشک است و هم مذاکره. روزگار، روزگار همه چیز است وگرنه به راحتی و به صراحت حق ملت را خواهند خورد. اگرچه اکنون سال‌ها از انذار رهبر معظم انقلاب به آن اظهارنظر خام‌اندیشانه می‌گذرد، اما امروز هم واقعیات جهان همان را تأیید می‌کند. جنگ روسیه و اوکراین، رقابت تسلیحاتی امریکا و چین، بازسازی ارتش اروپا و از همه آشکارتر، حمله اسرائیل به ایران با چراغ سبز واشینگتن و سپس اعتراف ترامپ به مسئولیت آن حمله، همه گواه آن است که رقابت نظامی نه‌تنها پایان نیافته بلکه تعیین‌کننده‌ترین عامل سیاست جهانی است.

در چنین جهانی، سخن گفتن از «عبور از قدرت سخت» نه نشانه واقع‌گرایی، که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نشانه غفلت از منطق قدرت است و تجویز آن برای کشوری چون ایران، دعوتی است برای خلع سلاح در برابر دشمن.

■ **تئوریزه کردن تسلیم در پوشش منطق اقتصادی**

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در ادامه گفته است «در ایران سیاست‌های متناقضی دنبال می‌شود؛ از یک‌سو بر مقاومت و استکبارستیزی تأکید می‌کنیم و از سوی دیگر شعار اولویت اقتصاد می‌دهیم. این دو با هم جمع نمی‌شوند». این گزاره هم در حقیقت تئوریزه کردن تسلیم در پوشش منطق اقتصادی است. زیرا معنای ضمنی آن این است که هیچ اقتصادی رشد نمی‌کند مگر با کنار گذاشتن مقاومت و پذیرش استکبار. این همان منطق معیوبی است که در دولت‌های مورد حمایت جریان مرعشی نیز تکرار شد و نتیجه‌اش چیزی جز افزایش وابستگی و گسترش تحریم‌ها نبود. کشورهایی مانند چین و روسیه دقیقاً با اتکا به قدرت ملی و استقلال سیاسی، توانستند در رقابت اقتصادی پیشرفت کنند؛ نه با امتیازدهی و نرمش در برابر قدرت‌های سلطه‌گر.

■ **لبخندی که خصومت امریکا را آشکارتر کرد**

دعوت مرعشی به «مصالحه بزرگ با امریکا» در شرایطی بیان می‌شود که در اوج مذاکرات ایران و امریکا در عمان، رژیم صهیونیستی با حمایت مستقیم واشینگتن به ایران حمله کرد و اکنون، ترامپ صراحتاً مسئولیت آن حمله را می‌پذیرد. در چنین وضعیتی، سخن از مصالحه اگر نگوییم حماقت و خیانت، نه نشانه عقلانیت، که نادیده گرفتن واقعیت خصومت و بی‌اعتمادی عمیق میان دو کشور است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گویی فراموش کرده است که در دوران حاکمیت دولت اصلاحات، رئیس دولت وقت با طرح پرطمطراق «گفت‌وگوی تمدن‌ها» تلاش کرد چهره‌ای صلح‌جو از ایران به غرب نشان دهد، اما پاسخ واشینگتن چه بود؟ در همان سال، جورج بوش پسر ایران را در کنار عراق و کره شمالی، محور شرارت نامید و عملاً آن گفت‌وگو را به تمسخر گرفت. این تجربه تاریخی نشان داد که غرب با لبخند ایران نرم نمی‌شود، بلکه هر بار در پس لبخند، خنجری تازه پنهان کرده است. مصالحه‌ای که از موضع ضعف انجام شود، نه معامله‌ای برابر، بلکه تسلیم‌نامه‌ای رسمی است؛ همان چیزی که دبیرکل حزب کارگزاران امروز در پوشش «عقلانیت» از آن دفاع می‌کند.

■ **شلیک به پای اصلاحات**

حسین مرعشی که خود و هم‌کیشانش بیش از چهار دهه است بر مناصب دولتی و مصالح ملت خیمه زده‌اند، اکنون می‌گوید کشور پس از ۴۰ سال با بن‌بست‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه است. این سخن از زبان کسی بیان می‌شود که خود و جریانش در تمام این چهار دهه در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور حضوری مؤثر و تعیین‌کننده داشته‌اند. اگر بن‌بستی وجود دارد، نخست باید در آیینه کارنامه همان جریان اصلاح‌طلب و کارگزار نگریست. مرعشی در واقع با چنین سخنانی، به پای خود و هم‌فکرانش در جبهه اصلاحات شلیک می‌کند.

واگرایی جریان اصلاحات البته به همین تسلیم‌پذیری‌های خسارت‌بار محدود نشده است. در ادامه همین رویکرد، طی چندماه گذشته جریان اصلاحات با توصیه‌هایی پرهزینه، دولت پزشکیان را نیز تحت فشار قرار داد: از توصیه به دست دادن با ترامپ در نیویورک تا اصرار بر حضور ایران در سیرک شرم‌الشیخ که عملاً به نمایش تحقیر و توهین با حاضران و خودنمایی ترامپ تبدیل شد. در ساده‌اندیشی و آرزوهای سراب‌گونه این قبیله همان بس که تصور می‌کنند با یک لبخند و دست دادن تمام، مشکلات ایران و امریکا به فراموشی سپرده خواهد شد، حال آنکه تجربه تلخ برجام نشان داد که این خیالات وهم‌آلوده، هیچ تغییری در ماهیت استکباری امریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران ایجاد نکرد و بلکه به عکس بر حجم و تنوع تحریم‌ها نسبت به ملت یاران افزوده شد. بنابراین، توصیه‌های واگرانه در خدمت منافع ملی، که ادامه همان سیاست قدیمی «عادی‌سازی به هر قیمت» است؛ سیاستی که بارها کشور را در معرض تحقیر و امتیازدهی قرار داده است.

سخنان حسین مرعشی اگرچه با واژگان «عقلانیت» و «توسعه» آراسته شده، اما در عمق خود دعوتی است به تسلیم در برابر نظام سلطه، با نام فریبنده مصالحه. تجربه چهار دهه اخیر نشان داده است که هرگاه ایران بر استقلال و توان ملی خود تکیه کرده، در سیاست، امنیت و اقتصاد نیز پیشرفت کرده است. اگر بن‌بستی هست، نه در مسیر مقاومت، بلکه در همان نسخه تکراری و شکست‌خورده‌ای است که مرعشی و هم‌فکرانش هنوز در پی احیای آنند: تسلیم به نام مصالحه.

خبر

رئیس مجلس شورای اسلامی:

امریکا باید پیامدهای تجاوز به ایران را بپذیرد

دولت ایالات متحده طبق قوانین بین‌المللی باید پیامدهای حقوقی سیاسی و نظامی تجاوز آشکار را که منجر به شهادت تعداد زیادی از شهروندان ما شده است بپذیرد.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در ابتدای جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات معیشتی که باعث سخت شدن زندگی برای مردم شده است، اظهار داشت: روشن است که حل مشکلات ریشه‌ای نیاز به اقدامات زیرساختی در حوزه اقتصاد دارد. وی افزود: با تمرکز به سه موضوع مهم اجرایی شدن کالابرگ به شیوه جدید، کاهش مشکل مسکن و برنامه‌ریزی برای درمان می‌توان در مسیر بهبود زندگی جاری مردم اقدامات مؤثری انجام داد.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: در این زمینه در آینده با جزئیات بیشتری سخن می‌گویم اما فعلاً از دولت چهاردهم می‌خواهم در تصمیم‌گیری درمورد مسائلی که کشور در گذشته تجربه‌های ناموفقی داشته است با نگاهی جامع تدبیر لازم را اتخاذ کند.

قالیباف در بخشی از سخنانش بیان کرد: در پی اعتراف صریح رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به داشتن مسئولیت مستقیم در تجاوز رژیم صهیونی به ایران، که نقض آشکار حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و حاکمیت ملی کشورمان به شمار می‌رود، اینجانب به نمایندگی از ملت عزیز و شریف ایران، این عمل شنیع را به شدیدترین وجه، محکوم و اعلام می‌کنم که دولت ایالات متحده طبق قوانین بین‌المللی باید پیامدهای حقوقی سیاسی و نظامی این تجاوز آشکار که منجر به شهادت تعداد زیادی از شهروندان ما شده است را بپذیرد. قالیباف گفت: ملت ایران، با وحدت و اقتدار، در برابر هرگونه تهدیدی ایستاده و متجاوزان را نسبت به اقدامات تجاوزکارانه خود پاسخگو خواهد کرد. وی با اشاره به سفر اخیرش به پاکستان، افزود: این سفر در راستای مطالبه رهبر انقلاب از مجلس و در چارچوب «دیپلماسی پارلمانی» با دعوت رئیس مجلس ملی پاکستان «ایاز صادق» انجام شد. یکی از اهداف این سفر رساندن پیام تشکر مردم و رهبر انقلاب از حمایت‌های مجلس و مسئولان، بخصوص مردم پاکستان بود و دیگر اهداف آن، تقویت ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بین دو کشور تعیین شده بود.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: پاکستان، برای ایران از اهمیت راهبردی بالایی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و امنیتی برخوردار است، چراکه نیازهای تجاری دو کشور مکمل یکدیگر بوده، اشتراکات فرهنگی‌شان عمق بسیار بالایی دارد، ظرفیت‌های مهمی برای همکاری‌های امنیتی و دفاعی قابل دستیابی است و موقعیت جغرافیایی این کشور، می‌تواند پلی برای اتصال ایران به شرق آسیا و فراتر از آن باشد. قالیباف گفت: در این سفر، برای پیگیری اهداف ذکر شده، هیئت پارلمانی ایران با مقامات عالی‌رتبه پاکستان یعنی رئیس مجلس ملی، کفیل ریاست جمهوری و رئیس مجلس سنا، نخست وزیر و فرمانده ارتش این کشور دیدار کرد و دو نشست صمیمی با فعالان اقتصادی ایران و پاکستان و نخبگان سیاسی و فرهنگی نیز برگزار شد. وی اضافه کرد: پیگیری اجرایی شدن سندهای همکاری امضا شده در سفر رئیس جمهور، افزایش حجم تجارت دوجانبه به ۱۰ میلیارد دلار، تسهیل تهاتر کالا با اصلاح زیرساخت‌ها، نهایی شدن فرآیند تجارت آزاد، گسترش همکاری‌های مرزی، توسعه بازارچه‌های مشترک، تقویت امنیت مرزها و برنامه‌ریزی برای همکاری‌های سه جانبه ایران، چین و پاکستان در پروژه‌های مشترک از جمله مواردی بود که مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار گرفت و امیدوارم با اجرایی شدن آنها توسط دولت‌های دو کشور، بتوان نتایج ملموس آن را به‌زودی مشاهده کرد.

ویژه

خسارت مرگبار نمایندگان ادوار و کابینه‌های معلول!

رئیس‌جمهور در سفر به کردستان اشاره کرد که کشور ۵ میلیون میلیارد یعنی هزار هزار میلیارد طرح نیمه‌تمام دارد که اغلب آنها را نمایندگان ادوار مجلس بدون توجه به نیاز منطقه یا ظرفیت و آینده‌نگری و توان مالی دولت در بودجه‌رسانی به دولت و کشور تحمیل کرده‌اند. حرفی دقیق و جانسوز که اغلب رئیسان جمهور در زمان خود به آن اشاره کرده‌اند. اما این سخن یک بخش دومی هم دارد که عموم رئیسان جمهور آن را نادیده می‌گیرند یا مخفی می‌کنند: اگرچه نمایندگان مجلس برای رأی‌آوردن در مرحله بعدی و برای خودشیرینی و مقبول‌نشان‌دادن خود طرح‌های اینچنینی را به دولت تحمیل کرده‌اند اما وزیران دولتی نیز از ترس استیضاح و چالش با نمایندگان یا در همراهی و همسویی با آنان برای منافع مادی و معنوی (چه معنویتی!) با این طرح‌ها موافقت کرده‌اند! مسئله دقیقاً همین‌جاست که اگر یک نماینده با رفتاری خیانت‌بار چنین می‌کند تا یک وزیر و عضو دولت نیز با پذیرش و قبول این خیانت، تن به آن رفتار ندهد، اتفاقی نمی‌افتد. پس درست آن است که بگوییم این حجم از طرح‌های رهاشده محصول خیانت مشترک نمایندگان و اعضای کابینه و حتی تمامی کسانی است که معمولاً برای کلنگ‌زنی و بریدن روبان جمع می‌شوند!

۵۰ میلیارد برای برزیل یا مریخ؟!

در حالی که اعتراض به سفرهای پرهزینه مسئولان، پای ثابت انتقادات رئیس‌جمهور در مناسبت‌های گوناگون است، انتشار سندی از درخواست اعتبار ۵۰ میلیارد تومانی رئیس سازمان محیط زیست از رئیس سازمان برنامه و بودجه برای سفر به برزیل، نگرانی‌ها درباره ولخرجی‌های دولتمردان، بر تذکرات مصلحانه دکتر پزشکیان سایه افکنده است.

ماجرا از آنجا آغاز شده است که رئیس جمهور برزیل از رئیس جمهور کشورمان برای شرکت در اجلاس سران اقلیمی (کاپ ۳۰ کنوانسیون تغییر اقلیم) دعوت به عمل آورده و بر اساس تصمیم هیئت دولت، خانم شینا انصاری معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست به عنوان نماینده ایران به این اجلاس معرفی شده بود. پس از این تصمیم رئیس سازمان محیط زیست در نامه‌ای به رئیس سازمان برنامه و بودجه که نسخه‌ای از آن در فضای مجاز منتشر شده، با این توجیه که منابع اعتباری مورد نیاز در سقف بودجه سازمان پیش بینی نشده، از وی خواسته است که نسبت به تأمین اعتبار مذکور بالغ بر ۵۰۰ میلیارد ریال، معادل ۵۰ میلیارد تومان از ردیف هزینه‌های پیش بینی نشده یا هر ردیف ممکن در اختیار آن سازمان قرار گیرد. اگرچه درباره تعداد همراهان معاون رئیس جمهور در این مأموریت اشاره‌ای نشده است، اما رقم نجومی درخواست شده برای یک سفر دو روزه، سؤالات و ابهامات فراوانی را درباره ریخت و پاش‌ها در دولت ایجاد کرده است. این هزینه بیشتر به درد سفر به مریخ می‌خورد تا برزیل!

روز گذشته اما یکی از مسئولان سازمان برنامه و بودجه در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه ما به هر درخواستی به صورت کامل پاسخ نمی‌دهیم، گفت: در مورد سفر خانم انصاری احتمالاً به حداکثر ۱۰ هزار دلار نیاز خواهد بود که شامل پول بلیت هواپیما، هتل و تعداد مقصدهایی که باید طی کند، محاسبه می‌شود و همچنین تعداد افرادی که همراه معاون رئیس جمهور باید بروند، بر اساس ضوابط و جدول قانونی خواهد بود. اکنون باید سازمان حفاظت محیط زیست پاسخ دهد، این اعتبار نجومی، با کدام توجیهی درخواست شده است.

از حاشیه تا متن

ستون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

راز بر تخت نشستن دوباره «یوسف» چه بود؟

حتماً شما هم با نویسنده همداستان و موافقید که سیمای جمهوری اسلامی اخیراً یکی از دوره‌های باورنکردنی خود را پشت سر گذاشت و مردم را و این بار به‌خصوص جوانان و نوجوانان بسیاری را برای نخستین بار پای جعبه جادو نشاند و نه‌تنها نشاند که میخکوب کرد.

بله، پخش مجموعه تلویزیونی «یوسف پیامبر» و قصه پرکشش این پیامبر خدا طی این سال‌ها بارها و بارها تکرار شده بود اما این بار با نوعی شگفتی همراه بود؛ بسیاری از کسانی که شب‌ها پای شبکه آی‌فیلم می‌نشستند و بسیاری از آنان که تکرار فردای آن را هم می‌دیدند، یا اصلاً اهل دیدن تلویزیون نبودند یا اگر بودند تمایلشان بیشتر تماشای شبکه‌های آن‌ور آبی و حتی آن‌ور خاکی بود تا سیمای جمهوری اسلامی. در کوچه و خیابان و مدرسه و مسجد و دانشگاه و تاکسی و مترو و فضای مجازی حجم سخن گفتن و نوشتن درباره یوزارسیف این بار بسیار بیشتر از تکرارهای قبلی این سریال محبوب بود. این بار مردم و به خصوص جوانان از اینکه اهالی سرزمین فلسطین برای اسیران اسرائیلی هم یوسف پیامبر را پخش کرده بودند، از اینکه این سریال در کدام کشورها بیشتر از کشور خودمان پخش شده، از اینکه پرفروش‌ترین تولید صداوسیما به کشورهای دیگر در تاریخ فعالیت خود بوده است، از اینکه کاش مسئولان فعلی جمهوری اسلامی هم به شیوه یوزارسیف به حل مشکل ناترازی‌ها در دوره خشکسالی اخیر می‌پرداختند و ده‌ها سوژه جدی و طنز حاشیه‌ای یا اصلی مرتبط با این سریال و داستان جذاب این پیامبر خدا سخن گفتند و نوشتند و به گواهی خود شما که این یادداشت را می‌خوانید آن را به یکی از پربحث‌ترین و مطرح‌ترین موضوعات این سی‌چهل روز تبدیل کردند.

گزارش‌هایی هم که از دوستان عزیزم در صداوسیما گرفته‌ام نشان می‌دهد مجموعه تلویزیونی یوسف پیامبر در پخش اخیر خود، آن را در صدر برنامه‌های سیما در این مدت نشانده و با فاصله زیاد پربیننده‌ترین برنامه سیما در بین تمام شبکه‌ها شده، آن هم در شرایطی که این سریال، تکراری بود و تعداد تکرار آن هم کم نبوده است!

درباره علت این اقبال مجدد و نیز اقبال اولی‌ها هم در این مدت بسیار سخن گفته شده است. از مهم‌ترین این دلایل می‌توان به زیبایی و جذابیت خود داستان که مستقیم از قرآن گرفته شده و خود قرآن به جذابیت آن برکت داده است، اخلاص فوق‌العاده مرحوم سلحشور هم در زندگی شخصی و هم در لحظات ساخت این مجموعه، روایت سالم و بدون خدشه و منطبق بر اصل داستان، دوری از شذوذات و آرایه‌های آلوده‌ای که در نسخه‌های هالیوودی این قصه وجود دارد و مواردی از این دست اشاره کرد، اما این دلایل در زمان پخش‌های تکراری بارهای پیش هم بوده است اما این میزان استقبال و دیده‌شدن و نفوذ در بین اقشار مختلف مردم را نداشته است. ماجرا چیست؟ مگر مردم ماجرای قرآن‌خواندن‌ها و توسلات و نمازهای مرحوم سلحشور را قبلاً نشنیده بودند؟ اینها هم تازگی نداشته است.

به نظرم خوب است به همین بهانه و به مناسبت پایان بسیار موفقیت‌آمیز و رکوردشکنی تماشاگران آن در پخش تکراری این سریال، رسانه‌های ما اعم از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها و حتی محیط‌های علمی و دانشگاهی و آکادمیک در رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی و رسانه و ارتباطات به کاوش در این باره بپردازند و علت را جست‌وجو و کشف کنند. آیا معنای آن این است که جوانان به معنویت و آموزه‌های انبیا توجه بیشتری پیدا کرده‌اند؟ آیا آنچه می‌خواستند در برنامه‌های آلوده شبکه‌های ماهواره‌ای نیافته‌اند؟ و از آنها دلزده شده‌اند؟ یا مثلاً صداوسیمای ما کم‌کاری داشته و برنامه جذاب جوان‌پسند جدید نساخته است؟ یا مجموعه‌ای از همه این موارد و دلایل دیگری که نمی‌دانیم و باید بررسی و احصا شود؟ اگر راز این موفقیت بزرگ کشف شود، حتماً برنامه‌سازان ما را برای توفیقات بعدی آماده‌تر می‌کند و مردم را بیشتر با صداوسیما آشتی می‌دهد.

گزیده خبر

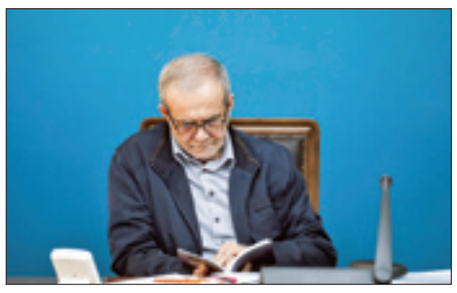

در نشست هیئت پیگیری اجرای قانون اساسی

پزشکیان: دستگاه‌های دولتی از ناقضان قانون اساسی هستند

رئیس جمهور با بیان اینکه اگر نگاهی به اصول قانون اساسی و کیفیت اجرای آنها بیندازیم، خواهیم دید که خود دستگاه‌های دولتی یکی از ناقضان اصلی این اصول و متخلفین در اجرای آنها هستند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، روز گذشته در سومین نشست «هیئت پیگیری اجرای قانون اساسی» با اشاره به اینکه اگر نگاهی به اصول قانون اساسی و کیفیت اجرای آنها بیندازیم، خواهیم دید که خود دستگاه‌های دولتی یکی از ناقضان اصلی این اصول و متخلفین در اجرای آنها هستند، اظهار کرد: به مصداق ضرب‌المثل «سنگ بزرگ علامت نزدن است»، باور دارم که وقتی هدف را کلی و بزرگ تعریف کنیم، تحقق آن اگر غیرممکن نشود، سخت خواهد شد.

پزشکیان با تأکید بر اینکه به جای گسترده کردن مأموریت‌های دستگاه‌ها، بهتر است آنها را اولویت‌بندی کرده و برای اجرا مهلت زمانی تعیین کنیم، افزود: نکته مهم در زمینه اولویت‌بندی و تعیین بازه زمانی اجرا، مشورت و مشارکت مجریان، صاحبان فرآیند و مردم است. اگر می‌خواهیم قانون یا تصمیمی را به شکل صحیح و به موقع اجرا کنیم، باید آن را با مشورت مجریان، صاحبان فرآیند و جمعیت هدف تهیه و تدوین کنیم.

رئیس جمهور تصریح کرد: پس از تدوین و تصویب تصمیمات و مقررات و تعریف بازه زمانی تحقق اهداف آنها، باید علاوه بر تعیین ناظر کلی که در این فقره واحدهای حقوقی در نظر گرفته شده‌اند، مرجعی نیز مشخص شود که تخلفات موردی از سوی مراجعین و صاحبان فرآیند به آن اعلام و مورد رسیدگی قرار گیرد.

پزشکیان با اشاره به آمار نارضایتی مردم از خدمات دستگاه‌ها که در نظرسنجی‌های پیش از سفرهای استانی دولت در هر استان انجام می‌شود، گفت: تأکید بنده این است که در گام اول حتی سراغ زیر مجموعه‌های دیگر قوا و ارگان‌های حاکمیتی هم نرویم و کار پیگیری شاخص‌های عمومی و تخصصی اجرای قانون اساسی را از همین قوه مجریه که به طور کامل تحت نظر و اداره خودمان است، آغاز کنیم.